

آموزش و پرورش یا سیستم تولید خرافه!؟

بهرام رحمانی

bamdadpress@telia.com

سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳، روز چهارشنبه ۱ مهر ماه ۱۳۸۳-۲۲ سپتامبر ۲۰۰۴ آغاز شد. در سال تحصیلی جدید، ۱۶ میلیون و ۵۳۵ هزار و ۷۰۱ دانش آموز در مقاطع مختلف، در ۱۳۷ هزار و ۵۸۲ آموزشگاه در سراسر کشور، تحصیلات خود را آغاز کردند. براساس اعلام وزارت آموزش و پرورش، در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳، ۴۷۳ هزار دانش آموز در دوره آمادگی، شش میلیون و ۴۸۸ هزار دانش آموز در دوره ابتدایی، چهار میلیون و ۵۰۵ هزار دانش آموز در دوره راهنمایی و چهار میلیون و ۷۳۳ هزار دانش آموز در دوره متوسطه تحصیل می کنند. از این تعداد، یک میلیون و ۱۱۱ هزار دانش آموز در مدارس غیرانتفاعی مشمول تحصیل هستند.

در سال تحصیلی جدید، هفتصد هزار دانشجو در همه مقاطع تحصیلی وارد دانشگاه ها و دیگر موسسات آموزش عالی شدند. این تعداد دانشجو، بیش از دو برابر شمار دانش جویان در سال ۱۳۵۷ است که ۳۰۰ هزار نفر بود.

البته ناگفته نماند که مدیر روابط عمومی مراکز آموزش از راه دور، در گفت و گویی با ایلنا اقرار کرد: «در گروه سنی ۱۱ تا ۱۷ سال، یعنی افرادی که در سن تحصیل قرار دارند، حدود ۳ میلیون و ۱۳۵ هزار نفر امکان حضور در کلاس های درسی را ندارند... به طور کلی در گروه سنی ۱ تا ۴۵ سال، ۱۳ میلیون نفر در کشور وجود دارند که به نوعی از تحصیل باز مانده اند...». بی شک آمار واقعی کودکان، نوجوانان و جوانانی که به دلایل فقر و محرومیت از تحصیل محروم شده اند بسیار بیش تر از این ارقام است. در این میان دختران بیش تر از پسران از تحصیل باز مانده اند که ناشی از تبعیض در جامعه و به ویژه در قوانین و نگرش ارتجاعی سردمداران جمهوری اسلامی نسبت به حقوق و آزادی های زن به عنوان انسان آزاد و مستقل است.

همچنین گفته شده است که بخش عظیم مدارس و دانشگاه ها قدیمی و فاقد ابزارهای آموزشی و تفریحی هستند. بیش تر این مدرسه ها قدیمی هستند و در مقابل سوانح طبیعی مانند زلزله هیچ گونه امکان ایمنی و مقاومت ندارند. وضعیت مدارس که در حاشیه شهرها و مناطق فقیرنشین ساخته شده اند، بسیار اسف بارتر است. در حالی که فرزندان پول دارها همه در مدارس خصوصی مجهز و با امکانات بالا مشغول تحصیل هستند و هیچ گونه کمبودی هم احساس نمی کنند.

از سوی دیگر، با آغاز سال تحصیلی جدید تهدیدات و فشارهای پلیسی نیز شدت یافت. سردار رویانیان، رییس مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ کشور گفت: «دبیرستان‌های دخترانه مناطق حساس و آسیب‌پذیر تحت پوشش انتظامی قرار می‌گیرند. در اطراف برخی دبیرستان‌ها، ماموران پلیس مستقر شده و گشت‌زنی می‌کنند». (۱) سردار طلایی، فرمانده نیروهای انتظامی تهران بزرگ، در رابطه با بازگشایی دانشگاه‌ها گفت: «موضوع بدحجابی تنها منحصر به خانم‌ها نبوده و پوشش نامناسب آقایان نیز نوعی بدحجابی است». (۲) «مقررات انضباطی دانش‌آموزان برای حضور در کلاس درس، رعایت بهداشت و پوشش مناسب اعلام شد. براساس آیین‌نامه اجرایی مدارس مصوب شورای عالی آموزش و پرورش، رعایت شعائر دینی، رعایت ادب، احترام نسبت به مدیر، معاون، معلمان، مربیان و دیگر کارکنان مدرسه از جمله این مقررات است... انجام فرایض دینی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی مدرسه از جمله وظایف دانش‌آموز ذکر شده است. خودداری از به کار بردن وسایل تجملی و آرایشی و پرهیز از به همراه آوردن اشیای گران‌بها و وسایل غیرمرتبط با امور تحصیلی به مدرسه و خودداری از خرید و فروش در مدرسه به غیر از مواردی که در آیین‌نامه شرکت تعاونی دانش‌آموزی پیش‌بینی شده، از دیگر وظایف دانش‌آموز است». (۳) مجلس هفتم، در یکی از کمیسیون‌های داخلی طرح دیگری را برای محدود کردن جامعه زنان و دختران در دستور کار قرار داده است: «در این طرح که در کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در دست بررسی است، ورود دختران به برخی از رشته‌های دانشگاهی محدود می‌شود. رشته‌های دامپزشکی و صنایع از جمله رشته‌هایی است که قرار است مشمول این ممنوعیت شود». (۴)

آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی، سایه شوم و نفرت‌انگیز خود را در همه جای ایران، از شمال تا جنوب، از غرب تا شرق و از روستا تا شهر گسترده‌اند. جنایت و پرخاشگری، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، خودکشی، تن‌فروشی، سرقت، فروش ارگان‌های بدن برای زنده ماندن و ... در سطح وسیعی رواج پیدا کرده است. هیچ جای امنی در ایران، برای مصون ماندن از این فجایع باقی نمانده است. این واقعیت‌های دردناک و دل‌خراش را رژیم جمهوری اسلامی، با همه ارگان‌های سیاسی و نظامی و برنامه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، با همه قوانین و سردمدارانش به بار آورده است. سیستم آموزشی جمهوری اسلامی، همواره خرافات مذهبی را تبلیغ و ترویج می‌کند و رعب و وحشت، اختناق و سانسور، تبعیض و سرکوب‌بی‌سابقه‌ای را بر مراکز آموزشی حاکم ساخته است. «از همه مهم‌تر این که دغدغه تربیت اسلامی اساس و مبنای تمامی فعالیت‌های آموزش و پرورش است... ایجاد و گسترش مراکز دارالقرآن، شرکت در مسابقات اذان و احکام در سال ۸۲ و از همه مهم‌تر افزایش مربیان پرورشی در مدارس، ساخت ۱۵۶۰ نمازخانه صرفاً در سال ۸۳ و کسب رتبه اول توسط آموزش و

پرورش در ترویج و توجه به فرهنگ نماز در میان دستگاه‌های مختلف کشور از یک طرف و کسب عنوان برتر در حوزه فعالیت‌های قرآنی به عنوان یک مجموعه فعال، میزان توجه به مسایل معنوی و عبادی را در مدارس کشور نشان می‌دهد...» (۵)

بیان صریح موضع‌گیری‌های گونه‌مقامات و ارگان‌های جمهوری اسلامی، چیزی نیست جز آن که دانش‌آموز و دانش‌جو هیچ‌گونه حق و حقوقی نداشته و فقط باید برده‌وار مطیع اوامر سیستم باشند. از سوی دیگر دانش‌آموز و دانش‌جو، وظیفه دارد فرایض و مقررات دینی را در هر شرایطی رعایت کند و «هنر» خود را در عرصه یادگیری خرافات مذهبی از جمله قرآن نشان بدهد، هنری که نه تنها به درد کسی نمی‌خورد، بلکه بر عکس خشونت و وحشی‌گری اسلامی مانند سنگسار و قصاص و به ویژه مردسالاری و بی‌حقوقی مطلق زن و ناقص بودن آن را به صورت مشمئزکننده‌ای تبلیغ و ترویج می‌کند. چنین تبلیغاتی برای جامعه مضر و مخرب است. بعلاوه در حالی که خبرها حاکی از کمبود کلاس‌های درسی است، ساختن ۱۵۶۰ نمازخانه آن هم در شش ماه، آشکارا خصومت و دشمنی هر چه بیش‌تر جمهوری اسلامی با علم و دانش و هنر را به نمایش می‌گذارد. در یک کلام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی، یک سیستم مضر و خطرناک تفتیش عقاید، رعب و وحشت و تولیدکننده جهل و خرافه و گرایش‌های ارتجاعی برای جوانان است.

مهم‌تر از همه جمهوری اسلامی شرایطی در جامعه ایران به وجود آورده است که مافیای رسمی و غیررسمی آن، بساط ضدانسانی و انبوه معضلات و مشکلات و خطرات و بحران‌های اجتماعی را بر سر راه کودکان، نوجوانان و جوانان پهن کرده است که فقط در حاشیه روزنامه‌ها به آن‌ها اشاره می‌شود. در این جا به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

— تنها طی مدت یک هفته ۶۳ مورد اقدام خودکشی در اورژانس تهران ثبت شده است... نتیجه کلی نشان داد که خودکشی در سنین نوجوانی ۱۹-۱۵ سال به ویژه در میان زنان شایع‌تر است... خودکشی از نظر شغلی در محصلان و سپس در بین زنان خانه‌دار شایع‌تر است... (۶)

— فرید براتی، سرپرست گروه کارشناسان ستاد سامان‌دهی بیماران روانی مزمین سازمان بهزیستی کشور، با اشاره به وجود ۱۴ میلیون بیمار روانی در کشور گفت: بخشی از این آمار، افرادی هستند که در جامعه مشکلات و آسیب‌ها را به وجود می‌آورند...» (۷)

— محسن وزیریان، رییس اداره پیشگیری و درمان سوء مصرف مواد وزارت بهداشت گفت: «براساس پژوهشی که در سال ۸۰ با همکاری دفتر مقابله با جرایم و مواد مخدر سازمان ملل انجام شد، سه میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در ایران معتاد به مصرف مواد مخدر هستند...» (۸)

— ... در حالی که از تعداد ۴۴۴ هزار کلاس درس در کل کشور، ۴۳ درصد در دو نوبت صبح و بعد

از ظهر تراکم فیزیکی دانش‌آموزان را تحمل می‌کنند. همچنین از تعداد ۸۵ هزار و ۲۳۷ مدرسه در کل کشور، ۵۴۳۵ واحد خشت و گلی، ۲۴۳۵ واحد چادری، ۹۷۹ کپری، و ۲۰ واحد کانتینر است و در مجموع ۵۷ هزار کلاس درس در سراسر کشور فاقد هر گونه مقاومت در برابر وقوع زلزله هستند... (۹)

... نادر پورقربانیان، مشاور و رییس سازمان آموزش و پرورش شهر تهران درباره تخلیه مدارس (استیجاری) تهران گفت: ... حدود ۴ میلیارد تومان از سوی دولت در اختیار ما قرار گرفت که مساله این مدارس را در شهر تهران حل کنیم، اما وقتی قیمت یک مدرسه فقط یک میلیارد و ۸۰۰ تومان است با باقی مانده پول چگونه می‌توانیم سایر مشکلات مان را حل کنیم... حمیدرضا آرمان، مدیر آموزش و پرورش بم گفت: «از مجموع ۱۷۴ مدرسه‌ای که در منطقه داشتیم، ۱۰۸ مدرسه به طور کلی تخریب شده بود... عرض شود ما برای ۲۵ هزار دانش‌آموز، پیش‌بینی ۱۱۷۰ کلاس را کرده‌ایم. حدود ۳۰۰ کلاس مرمت شده و بیش از ۵۰۰ کانکس هم آماده کرده‌ایم و بیش از ۲۵۰ کانکس کمبود داریم...» (۱۰)

... با توجه به بازگشایی مدارس و آغاز سال تحصیلی، حکم تخلیه ۲۷ مدرسه قدیمی شهرستان کرج، از سوی دادستان این شهر صادر شده است. (۱۱)

... مدیرکل دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: «۸۰۰ هزار کودک ایرانی به دلیل تغذیه نامناسب دچار کوتاهی قد هستند». ربابه شیخ‌الاسلام، افزود: «فقر مالی و ناآشنایی والدین با منابع غذایی مناسب برای رشد کودکان از عوامل موثر در افزایش کوتاهی قد در بین کودکان است...» (۱۲)

... ۲۰۰۰ مهاجر افغانی ساکن ایران، در مقابل دفتر سازمان ملل متحد در مشهد اقدام به برپایی تظاهراتی اعتراضی نمودند. این تظاهرات که روز یک‌شنبه ۴ مهر ماه برگزار شده است، در اعتراض به سیاست‌های نژادپرستانه رژیم در مورد ثبت نام دانش‌آموزان افغانی ساکن ایران انجام شده است. بنابراین قوانین وضع شده از سوی رژیم اسلامی، خانواده‌های افغانی تنها در صورت پرداخت مبلغ ۳۰۰ دلار، تحویل مدارک تحصیلی و سپردن تعهد نسبت به خروج از ایران تا پایان سال تحصیلی می‌توانند فرزندان خود را در مدارس ثبت نام نمایند. تظاهرکنندگان با دادن شعارهای «من بشرم حقوق من کو» و «به گفته خمینی اسلام مرز ندارد» دو رویی و نژادپرستی رژیم اسلامی را ثابت نمودند. پلیس رژیم اسلامی ضمن محاصره تظاهرکنندگان و دفتر سازمان ملل با مهاجران افغانی درگیر شده و چند نفر از آن‌ها را دستگیر کرده است. (۱۳)

... محمد مهدی گویا، رییس مرکز مدیریت بیماری‌های وزارت بهداشت گفت: «به طور کلی به ازای هر ۱۰ هزار خودرو در کشور، ۴۰ نفر می‌میرند و براین اساس روزانه ۷۴ نفر بر اثر حوادث ترافیکی در

کشور جان خود را از دست می دهند. بررسی ها نشان می دهد سالانه ۴۰ هزار نفر بر اثر حوادث و سوانح در کشور از بین می روند که ۲۷ هزار نفر آن ها به علت حوادث ترافیکی و تصادفات رانندگی جاده ای و شهری جان خود را از دست می دهند. در کشور ما، به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر، ۳۸ نفر بر اثر حوادث رانندگی جان خود را از دست می دهند در کشور سوئد این میزان کم تر از ۶ مورد در سال است» (۱۴)

این ها فقط چند نمونه از بحران ها، معضلات و مشکلات اجتماعی است که به طور مستقیم و غیرمستقیم در تحصیل و سرنوشت جوانان تاثیر دارد. علاوه بر این ها، تورم فزاینده و گرانی مایحتاج اولیه زندگی، هزینه مسکن، هزینه بهداشت و درمان، پرداخت شهریه و تهیه لباس و نوشت افزار دانش آموزان و دانش جویان و تهدید و رعب و وحشتی که برخی از مدیران و روسای مراکز آموزشی، مامورین انتظامی و انصار حزب الله بر علیه جوانان، به ویژه دختران و زنان درست کرده اند را نیز به معضلات و آسیب های اجتماعی اضافه کنیم تازه توانسته ایم گوشه کوچکی از جهنم جمهوری اسلامی را تصویر نماییم. در این میان روشن است که فرزندان کارگران و مردم محروم و ستم دیده بیش تر از تحصیلات محروم می شوند و یا با دلهره و نگرانی و تشویش دایمی راهی مراکز آموزشی می گردند. در حال حاضر میانگین حقوق کارگران با سابقه بالای ۲۰ سال، حدود ۱۲۰ هزار تومان است. در حالی که بنا به گفته یکی از مسئولان خانه کارگر رژیم، هزینه سبد یک خانوار پنج نفره ۲۰۰ هزار تومان است و در این سبد، فقط مایحتاج ضروری و اولیه زندگی در نظر گرفته شده و در آن هزینه ثبت نام مدرسه و دانشگاه، کتاب و نوشت افزار و دیگر نیازهای تحصیلی منظور نشده است.

بنا به نوشته رسانه های ایران، در بسیاری از مدارس دولتی و به ویژه غیرانتفاعی هزینه های چند میلیونی از دانش آموزان طلب می کنند. مدارس غیرانتفاعی ۲ میلیون شهریه می گیرند. قیمت کتاب های درسی و نوشت افزار و کلاس های آمادگی کنکور سرسام آور است.

تحقیقات و سرشماری های انجام شده نشان می دهد که نزدیک به ۷۰ درصد جمعیت کشور را جوانان زیر ۳۵ سال تشکیل می دهند که در این میان بالغ بر ۲۴ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر از کل جمعیت کشور در گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال قرار دارند که با توجه به ساختار جمعیتی جوان کشور وعدم توجه به نیازهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آنان می تواند زمینه ساز اعتراضات وسیع گردد. بنابراین اگر این جمعیت عظیم، خود را مستقل از کل رژیم و جناح هایش متشکل سازند، به معنای واقعی از پتانسیل و ظرفیت بالای مبارزاتی برخوردار هستند تا مطالبات رفاهی، سیاسی و اجتماعی خود را به رژیم تحمیل کنند.

از سوی دیگر، نیاز طبیعی سیاسی و اجتماعی جوانان است که مثلاً شوراهای های دمکراتیک و

مستقل خود را در همه مدارس و دانشگاه‌ها را به وجود آورند و برای تحقق مطالباتی نظیر تغییر کتاب‌های درسی منطبق با استانداردهای علمی جهان‌شمول، بالا بردن دست‌مزد آموزگاران و استادان دانشگاه‌ها، تحصیل و بهداشت رایگان برای همه، برداشتن تفاوت‌های جنسی و برابری دختران و پسران در همه سطوح تحصیلی، انحلال همه ارگان‌ها سرکوب در دانشگاه‌ها و به ویژه نیروی بسیج و پلیس، جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش، به رسمیت شناختن آزادی بیان، قلم و تشکل، لغو هر گونه محدودیت از اقامت و تحصیل مهاجرین افغانی در ایران، لغو کار کودکان و فراهم کردن امکان تحصیلی برای آن‌ها مبارزه پیگیر و هدف‌مندی داشته باشند. همچنین در اعتراضات توده‌ای زنان، پرستاران، معلمان و به طور کلی کارگران شرکت فعال و متشکل داشته باشند و بر علیه هرگونه اجحاف و تبعیض و ستم بورژوازی مبارزه کنند.

شکی است که بسیاری از این مطالبات مانند جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش، برابری واقعی زن و مرد، رفع هر گونه ستم و تبعیض و ستم ملی، توزیع عادلانه و برابر ثروت بین همه ساکنان کشور، تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی حکومت شورایی و سوسیالیستی کارگران و مردم محروم و تحت ستم امکان‌پذیر است! اما امر مبارزه سیاسی و اجتماعی طبقاتی طلب می‌کند که باید از هم اکنون برای تحمیل هر درجه از مطالبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مبارزه کنیم و با طرح مطالبات مان توجه افکار عمومی را به آن‌ها جلب نماییم.

در خاتمه، دانش‌آموزان و دانشجویان و معلمانی که در زلزله بم جان خود را از دست دادند؛ ۲۲ کودکی که قربانی اعمال سیاست‌های غیرانسانی، در کوره‌پزخانه‌ها و بیابان‌های پاکدشت در حومه تهران جان سپردند؛ کودکانی که برای تامین زندگی خود و کمک به خانواده‌هایشان وادار به کار شده؛ کودکان و جوانان فراری که در دست گروه‌های مافیایی اسیرند؛ کودکانی که به دلایل فقر و محرومیت افسوس و حسرت مدرسه رفتن را می‌خورند؛ هزاران کودک افغانی، که فاشیست‌های جمهوری اسلامی، مانع تحصیل آن‌ها شده‌اند و عاطفه رجبی، دختر ۱۶ ساله (شهر نکا)، در حالی که از بیماری روانی رنج می‌برد به «جرم» «زنای غیرمحصنه»، توسط دستگاه آدم‌کشی جمهوری اسلامی، به اعدام محکوم شد و روز پنجم مرداد ماه سال جاری، قاضی شخصا طناب دار بر گردن او آویخت؛ واقعا جای همه این عزیزان در سال تحصیلی جدید خالی است! قطعا در گوشه‌ای منزوی شدن و تاثر و تاسف خوردن کمکی به پیشگیری از این فجایع نمی‌کند. راه غلبه و جلوگیری از تکرار چنین فجایع و تراژدی‌های انسانی در گرو این است که روی به مبارزه متشکل و متحد طبقاتی و سوسیالیستی هدف‌مند و پیگیر آورد و بر علیه هر گونه ستم و استثمار بورژوازی مبارزه کرد.

یاد همه عزیزانی که نشکفته پرپر شده‌اند، گرامی باد!

منابع:

- ۱: ایسنا، ۱ مهر ۱۳۸۳ _ ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۴؛
- ۲: خبرگزاری فارس، ۲۹ مهر ۸۳؛
- ۳: روزنامه همشهری، ۸ مهر ۱۳۸۳؛
- ۴: امروز، ۶ مهر ۱۳۸۳؛
- ۵: مقاله تحلیلی روزنامه اعتماد، ۸ مهر ۱۳۸۳؛
- ۶: ایسنا، جمعه ۲۷ شهریور ۱۳۸۳؛
- ۷: ایسنا، ۲۸ شهریور ۱۳۸۱؛
- ۸: خبرگزاری فارس، ۳۱ شهریور ۱۳۸۱؛
- ۹: روزنامه شرق، ۱ مهر ۱۳۸۳؛
- ۱۰: روزنامه قدس، چهارشنبه ۱ مهر ۱۳۸۴؛
- ۱۱: روزنامه شرق، ۱ مهر ۱۳۸۳؛
- ۱۲: ۱ مهر ۱۳۸۳، رسانه های جمهوری اسلامی؛
- ۱۳: سایت اینترنتی پیام، ۵ مهر ۱۳۸۳؛
- ۱۴: ایسنا، ۶ مهر ۱۳۸۳.

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۳۵